

### ارائه الگوها و توصیه های سازنده معلمان پژوهنده شهرستان ارومیه به دانش آموزان و معلمان آینده در سال ۱۴۰۲

فرشید رستم زاده

مدرس دانشگاه فرهنگیان ارومیه

[rostamzadehfarshid@yahoo.com](mailto:rostamzadehfarshid@yahoo.com)

سیما اردی خانی

کارشناس ارشد فیزیک

[simaordikhani@gmail.com](mailto:simaordikhani@gmail.com)

صبا اسدی

کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

[Saba.a.asdai@gmail.com](mailto:Saba.a.asdai@gmail.com)

1

#### چکیده

در جامعه انسانی، اساسیترین کار بشریت تعلیم و تربیت است و کسی که این رسالت را به دوش می کشد معلم است. نقش مهم معلمان در سلامت و سعادت و خوشبختی جامعه بر هیچ کس پوشیده نیست هر جامعه ای سرنوشت خود را در چگونگی کارکرد معلم می بیند، معلمی که اولین و آخرین امید در تعلیم و تربیت و پرورش فرزندان و نسل آینده ی کشور می باشد. احراز مقام والای معلمی چندان هم ساده نیست. معلم با دلسوزی و مهربانی و فداکاری از جان و دل زحمت می کشد تا بتواند نسلی تربیت شده و سالم و کار آمد و مفید به جامعه تحویل دهد. معلم با فداکاری و اخلاق نیکوی خود باید الگوی پاکی و صداقت و درستکاری و نمونه ی یک انسان کامل و صادق برای فرزندان میهن اسلامی خویش باشد. معلم همواره باید وجدانی پاک و رفتاری نیکو و پسندیده و در شان معلمی و جامعه اسلامی خود داشته باشد. وقتی در جامعه ای شغل معلمی را بسان شغل انبیاء می دانند چه عزت و احترامی و مقامی برتر و بالاتر از این می توان بر معلم تقدیم و هدیه کرد. امید که معلمان عزیز و همه دست اندرکاران آموزش و پرورش بیشترین وظیفه خویش را در دگرسازی و شاگرد پروری که همان دعوت عملی است و سخنان معصومان جلوه گر است صرف نمایند.

**کلید واژه ها:** الگوها، توصیه ها، معلمان پژوهنده

#### مقدمه

معلم با ارتباط سازنده خود و با استفاده از مهارت ها و فنون آموزشی و تجربیات و راهکارها و روش های شناختی از طریق مدیریت و ساختارهای معمول کلاسی نقش مهم و آموزنده بر دانش آموزان داشته و آنها را تحت کنترل خود قرار دهد. روشهای رایج و معمول معلمان در رویارویی با مسایل انگیزشی همانند برخورد ایشان با دیگر مسایل آموزشی است. یعنی ابتدا این مسایل

را برای کل کلاس در نظر گرفته و بعد آن را با یک دانش آموزان تطبیق می دهند. این امر بر کسی پوشیده نیست که دانش آموزان برای یادگیری به آموزش احتیاج دارند در امر یادگیری ضروری است تا انگیزه درونی دانش آموزان افزایش یابد و ادراک کنترل ایشان آسیب نیند. همچنین برای تداوم و بقای این امر مهم باید به آن ها فرصت داد تا اهداف تحصیلی خود را انتخاب کنند و آنها را تحت حاکمیت خود داشته باشند. در واقع معلمان باید آگاه باشند که چگونه فرصت انتخاب و حاکمیت را به دانش آموزان بدهند تا توانایی ایشان در عملکرد صحیح محفوظ بماند. اگر دانش آموزی انتخاب نادرست داشته باشد با شکست مواجه خواهد شد و چون این شکست در دوران نوجوانی و جوانی دانش آموزان رخ می دهد در روحیه آنها می تواند نقش منفی داشته باشد. امکان دارد که دانش آموز از فرصت کنترل بر یادگیری خود برخوردار باشد اما با عملکردی نادرست کفایت لازم را از دست بدهد. معلمان می توانند در ارتباط با ابعاد محتوایی و روش کاری از دانش آموزان حمایت آموزشی به عمل آورند و دانش آموزان نیز همچون معلمان می توانند هم در زمینه های مختلف حق انتخاب داشته باشند. پس معلمین محترم باید به دانش آموزان این حق را یعنی فرصت و مهلت انتخاب را بدهند.

### بیان مساله:

معلم باید با دانش آموزان رابطه صمیمانه و مطلوب برقرار کند رابطه ای که همراه با حمایت معلم از دانش آموزان باشد. این امر مهم در صورتی محقق میشود که بین معلم و دانش آموز تعامل و همفکری برقرار باشد. چند روز اول مدرسه و اولین دیدارهای دانش آموزان با معلم از این نظر بسیار مهم است بنابراین باید به آن توجه خاص داشت. معلمان تازه کار به طور معمول از معلمان قدیمی تر می شنوند که: تا هنگامی که دانش آموزان به آن ها احترام نگذاشته اند در برابر آن ها نخندند. زیرا آنها بر این باورند که دانش آموزان برای احترام گذاشتن به معلم باید از وی بترسند. اما نظریه پردازان انگیزش می گویند: که در روزهای اول به دانش آموزان نشان دهید که به آن ها علاقه دارید و می توانید به شما اعتماد کنند و در صورت نیاز برای هر کمکی به شما رجوع کنند. هدف اصلی در واقع آن است که معلم باید به عنوان فردی بالغ و قابل اعتماد برای دانش آموزان مطرح گردد. خوشبختانه راه های بسیاری برای این منظور وجود دارد. هر گونه برخورد با دانش آموزان در تقویت یا تضعیف تصور آن ها نسبت به معلم موثر است. بنابراین معلم نمی تواند فقط زمان معینی از روز را به برقراری ارتباط با شاگردانش اختصاص دهد، بلکه تلاش برای رابطه ی مثبت باید همه اوقات معلم و دانش آموزان را در بر گیرد. آموزش، بدون ایجاد رابطه ی معنایی نخواهد داشت معلمان در همان آغاز کار خود پی می برند که نحوه ی برقراری ارتباط با دانش آموزان بسیار اهمیت دارد (یغما، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

آنان از خود می پرسند، ۱- آیا به پرورش دانش آموزان پرداخت و به آن ها عشق ورزید و یا باید سختگیر بود و انتظارات زیادی از آن ها داشت؟ ۲- آیا باید به دانش آموزان نزدیک شد یا از آن ها فاصله گرفت؟ در این مقاله سعی می شود به این سوال ها پاسخ داده شود. این ها پرسش هایی است که اغلب معلمان تازه کار در اندیشه آن هستند. معلمان باتجربه که شیوه ی خاصی را پس از طی سال ها بر گزیده اند، کمتر در این موارد می اندیشند. به هر حال توصیه می شود تا معلمان به تاثیر نوع ارتباط خود بر شکل گیری گرایش های انگیزش دانش آموزان توجه کنند. روابط مبتنی بر محبت، احترام و اعتماد متقابل میان معلم و دانش آموز هم موجب می شود تا دانش آموز به معلم وابسته نشود و هم انگیزه تحصیلی وی را افزایش می بخشد.

### اهمیت مساله

همه ی ما حتماً معلم یا معلمانی داشته ایم که با دانش آموزان خود روابط مبتنی بر محبت و احترام و باور متقابل داشته اند. شناخت تاثیر تنبیه های شدید از اهمیت بسیاری برخوردار است چون تنبیه با ایجاد هراس همراه است و موجب می شود تا فرد تنبیه شده کنترل خود را بر موقعیت ضعیف بشمارد و انتخاب خود را محدود می بیند و لازم می داند که خود را با شخص قدرتمند

تطبیق دهد. خوشبختانه راهبردهای محروم نمودن تهدیدی جدی برای کنترل ادراک شده دانش آموزان نیست. برای مثال دانش آموزی که به آرامی و بدون توجه دیگران به آخر کلاس فرستاده می شود و سپس در کمال مهربانی از وی علت این کار پرسیده می شود در واقع وی را آزاد گذاشته ایم خود به بیان علت بپردازد. چنین روشی برای جلوگیری از رفتار نامناسب است و به دانش آموز فرصت می دهد تا در اعمال خود دقت کند و مسولیت آن را بپذیرد معلم برایش سخنرانی نمی کند و او را به دلیل خطاهایش تهدید نمی کند به این ترتیب در حالی که رفتار نامناسب ادامه نمی یابد تصور دانش آموز در مورد کنترل خود بر موقعیت یادگیری نیز آسیب نمی بیند. یکی از اثرات مثبت اجتناب از تنبیه آن است که دانش آموزان از معلمان خود متنفر نمی شوند همچنین هنگامی که معلم از آزرده شدن دانش آموزان و پیش داوریهای غیر اصولی پرهیز می کند و نیز توجه و علاقه ی خود را به آن ها ابراز می دارد رابطه ی مطلوب میان معلم و دانش آموز برقرار می شود هنگامی که دانش آموزان معلم خود را دوست داشته باشند و به او اعتماد کنند و احترام بگذارند تاثیر به سزایی بر گرایش های انگیزشی تحصیلی ایشان خواهد داشت. هنگامی که دانش آموزان به معلم خویش اعتماد دارند احساس امنیت می کنند زیرا میدانند در صورت بروز مشکل معلم حتماً از آن ها حمایت خواهد کرد همچنین این امر موجب می شود تا ادراک کفایت آن ها افزایش یابد. اهمیت این امر را می توان در رابطه ی کودکان خرد سال با والدین خود مشاهده نمود. کودکانی که رابطه ی مطمئن و امنی را با والدین خود دارند بیش از دیگر کودکان به کارهای مخاطره آمیز دست می زنند. بیشتر محیط اطراف خود را جستجو می کنند و با فاصله گرفتن از والدین خود و رفتن به سوی اشیاء و رویدادهای جالب توانایی های خود را به بوته ی آزمایش می گذارند آنها آشکارا احساس اطمینان و کفایت بیشتری دارند و انگیزش بهتری در همه ی موارد از خود نشان می دهند. دانش آموزانی که به معلم خود اعتماد دارند در کاوش های تحصیلی جسارت بیشتری نشان می دهند معلم نیز باید بخواهد که دانش آموزان همواره برای کارهای جدید، متفاوت و مشکل آماده باشند. یادگیری یعنی دستیابی به فراسوی آن چه در حال حاضر می دانیم و آگاهی یافتن از چیزهای ناشناخته. هنگامی که دانش آموزان به معلم خود اعتماد دارند و رفتار وی را قابل پیش بینی می دانند و همواره از راهنمایی های شخصی و تحصیلی وی بهره می گیرند احتمال این که برای دروس خود به دنبال راه های آسان باشند کمتر است بلکه مایلند بیشتر توانایی های خود را به آزمایش بگذارند چون اطمینان دارند که با حمایت هایی که از آن ها می شود با مشکل روانشناختی خاصی مواجه نخواهند شد. طریق دیگر برای تاثیر پذیری مثبت گرایش های انگیزشی دانش آموزان سرمشق دهی است. چنان چه دانش آموزان به معلم خود احترام بگذارند معلم به عنوان سرمشق برای آن ها مطرح می شود فرایند رابطه ی معلم و دانش آموز بسیار شبیه رابطه ی والدین و کودک است. کودکان ارزش های والدین خود را درونی می کنند در خردسالی کودکانی که والدین خود را دوست دارند و به آن ها اعتماد دارند می خواهند جزئی از آن چه والدینشان انجام می دهند باشند بنابراین والدین خود را تعقیب می کنند و در بسیاری از کارها به آن ها کمک می کنند و یا وقتی آن ها مشغول مطالعه ی کتاب یا روزنامه ای هستند در آغوش آن ها می نشینند کودکان به این طریق می آموزند که والدینشان چه فعالیت هایی را ارزشمند می دانند در واقع والدین با دخالت دادن کودکان در فعالی های خاص آن ها را برای ایشان سرمشق دهی می کنند. در نهایت کودکان مستقل می شوند و خود به تنهایی به امور مختلف می پردازند ابتدا انجام این فعالی ها از سوی کودکان به دلیل نظر مثبت والدین انجام می شود یعنی کودکان زندگی را با تمایل شدید برای انجام کارهای دشوار شروع نمی کنند بلکه بتدریج ارزش مطالعه و داشتن خانه ای تمیز را درونی می کنند. بنابراین آن چه در آغاز برای والدین ارزشمند بود در نهایت برای خود آن ها ارزش می شود. معلمانی هم که با دانش آموزان رابطه دارند و برای آنان سرمشقی مورد اعتماد و احترام هستند می توانند با بیان ارزش های خویش به ایجاد ارزش های تحصیلی نزد دانش آموزان کمک کنند. البته لازم نیست معلم درباره ی ارزش تحصیلات بالاتر برای ایشان سخنرانی کند بلکه می تواند با راهنمایی های آموزشی، مطالعه، اظهار نظر در مورد عقاید علمی و کتب مختلف علاقه و تعهد خود را به مساله ی آموزشی نشان دهد. انتقال ارزش ها تنها زمانی امکانپذیر است که کودک به بزرگترها ی خود اعتماد داشته باشد و به آن ها



احترام بگذارد در غیر این صورت ارزش ها و استانداردهای آن ها را نخواهد پذیرفت. در حالی که روابط محبت آمیز و همراه با اعتماد و احترام میان معلم و دانش آموزان در حفظ و گسترش انگیزش دانش آموزان مهم است دشواری های بالقوه ای را نیز به همراه دارد. حادثه ترین دشواری ها عبارت است از وابستگی بیش از اندازه ی برخی از دانش آموزان به تایید و تمجید معلمان است. بیش از آن که چنین دانش آموزانی بتوانند درباره ی خودشان احساس خوبی داشته باشند لازم است معلم پیشرفت های آن ها را شناسایی و آن ها را تحسین کند متاسفانه این گونه دانش آموزان معیارهای درونی خود را که بتوان از آن طریق در مورد خود و کارهایشان داوری کنند از دست داده اند یا از آغاز چنین معیارهایی در آن ها رشد نکرده است بنابراین معلمانی که به وضوح برای برقراری ارتباط مثبت با دانش آموزان خود تلاش می کنند باید مراقب این گونه وابستگی دانش آموزی باشند. (سیف، ۱۳۹۵، ص ۹۷)

### اهداف تحقیق

هدف کلی: بررسی نحوه ارتباط گیری معلمان با دانش آموزان

### اهداف جزئی:

- تعیین عوامل موثر بر رابطه ی معلم با دانش آموزان.
- تعیین نقش معلم بر چگونگی رابطه با دانش آموزان.

### تاریخچه و پیشینه ی تحقیق

#### نظریه ی انتظار معلم

معلمان گاهی اوقات با رفتارهای خویش به شکل گیری ادراک کفایت در دانش آموزان یاری می رسانند گاهی معلمان از دانش آموزان ضعیف انتظارات کمتری دارند و این امر را به صورت های گوناگون خواسته و نا خواسته به آن ها نشان می دهند. برای مثال به آن ها فرصت کمتری برای بحث کردن می دهند و یا آن ها را در انتهای کلاس می نشانند همین طور از دختران نسبت به پسران همواره انتظارات کمتری در موفقیت فعالیت های آموزشی دارند. از دیگر مواردی که ممکن است بر انتظارات معلم از دانش آموز موثر باشد موقعیت اجتماعی و خانوادگی دانش آموز، رشد جسمی آن ها و از این قبیل است. به طور کلی اغلب انتظارات معلمان از دانش آموزان غیر منطقی است و بر پایه ی پیش فرض ها و داوری های غیر منطقی استوار است. اما اگر معلمی خواهان چنین برخوردهایی هم نباشد برای خود دانش آموزان مسلم فرض می شود و نمی توانند از آن ها چشم پوشی کنند. یکی از راه هایی که برای رفع چنین امری توصیه می شود این است که معلم اسامی دانش آموزان را بر روی کارت هایی بنویسد و قبل از هر پرسشی کارت ها را زیر و رو کند و اسم هر کس در بالا قرار گرفت از او پرسش مربوطه را بنویسد به این ترتیب همه ی دانش آموزان اطمینان می یابند که تبعیضی در میانشان صورت نمی گیرد و سوال های آسان و دشوار از پیش برای افراد خاص در نظر گرفته نمی شود. دشواری اساسی در مورد انتظار معلم از دانش آموز آن است که این انتظارات اغلب بر پایه ی دریافتی سطحی از رشد کودک استوار است و معلم به طور معمول نظرات خود را به صورت یک طرفه به دانش آموزان انتقال می دهد. (اسپالدینگ، ۱۳۸۷، ص ۴۰)





### نظریه ی اسناد

طبق این نظریه موفقیت و شکست فرد در کارهای گذشته ی خود به طور مستقیم بر ادراک کفایت و اثرات بعدی آن تأثیری ندارد بلکه اسناد موفقیت و شکست فرد در پیش بینی نتایج مطلوب بعدی موثر است. در واقع باورهای فرد در مورد چرایی موفقیت و شکست خود برای شناخت انگیزش آینده ی فرد مهمتر است. به طور کلی دانش آموزان موفقیت ها و شکست های خود را به عوامل زیر نسبت می دهند: ۱- توانایی و ناتوانایی ۲- تلاش کردن و کاهلی کردن ۳- آسانی یا دشواری تکلیف ۴- شانس و اقبال، این چهار اسناد را از سه دیدگاه می توان ارزیابی نمود که روشنگر تأثیر آن ها بر انتظارات فرد استاول: می توان آن ها را به عنوان اسنادهای درونی و بیرونی لحاظ نمود. اسنادهای درونی به خود شخص اشاره دارند در حالی که اسنادهای بیرونی به عواملی خارج از فرد مورد اسناد مربوط هستند.

دوم: اسنادهای پایدار و ناپایدار. اسناد پایدار در طی زمان و در شرایط مختلف همچنان ثابت می ماند و اسناد ناپایدار همواره در تغییر است. مردم به طور معمول توانایی و ناتوانی را یک ویژگی پایدار می دانند همچنین در مورد دشواری و آسانی تکلیف نیز بر این نظر هستند. سوم: اسنادهای قابل کنترل و غیر قابل کنترل تقسیم نمود. در واقع شخص می تواند به طور آگاهانه موقعیتی را در راستای هدفی مطلوب هدایت کند و یا به آن قادر نیست. تلاش یا کاهلی تنها اسنادی است که به طور معمول قابل کنترل محسوب می شود دانش آموز می تواند تلاش خود را برای امروز نسبت به دیروز افزایش بخشد اما در مورد توانایی یا ناتوانایی چنین نیست. زیرا چیزی است که بتدریج برای فرد حاصل می شود و فرد قادر نیست تا کنترل آگاهانه و قابل نظارت بر آن داشته باشد. (همان، ۲۳)

### نظریه ی کنترل اولیه

هنگامی تحقق دارد که دانش آموز برای تقبل مسولیت و موفقیت در آن تلاش می کند. افرادی دارای کنترل اولیه هستند که از کنترل درونی برخوردارند و باور دارند که می توانند در محیط خود تأثیر بگذارند. راه دیگر تشخیص کنترل اولیه فرایندی است که در روند آن فرد محیطش را چنان دگرگون می سازد که با علاقه ها، نیازها و خواسته هایش تطابق یابد. کنترل اولیه هنگامی بهترین نتیجه را به بار می آورد که فرصت های واقعی برای تصمیم گیری و انتخاب وجود داشته باشد. (همان، ۲۸)

### نظریه ی یادگیری اجتماعی

ارتباط میان رفتار و پیامدهای آن است که بنیاد نظریه ی یادگیری اجتماعی را تشکیل می دهد. افرادی که ارتباط میان رفتار و پیامدهای آن را می فهمند از کنترل درونی برخوردارند در واقع این افراد باور دارند که می توانند بر محیط خود تأثیر بگذارند. در مقابل افرادی که خود را در این روند ناتوان می دانند و ما بین عمل خویش و بازتاب محیط ارتباطی را نمی شناسند از کنترل بیرونی برخوردارند. از نظر گاه یادگیری اجتماعی کسانی که گرایش درونی دارند از ادراک کنترل بیشتری برخوردارند. مطالعات نشان داده است که گرایش کنترل درونی به موارد زیر می انجامد:

۱- پیشرفت تحصیلی ۲- نمرات بالا ۳- پشتکار و تلاش ۴- توجه به تکالیف. لازم به تذکر است که ساختار کنترل (درونی و بیرونی) در این نظریه ارتباطی با فرصت های واقعی برای کسب کنترل ندارد. (همان، ۲۷)

### یافته ها

#### چگونگی روابط میان معلم با دانش آموزان (( افزایش روابط غیر مشروط میان معلم و دانش آموز))

توجه به راهبردهای غیر درسی از این نظر اهمیت دارد که به معلم اجازه می دهد تا محبت و احترام خود را نسبت دانش آموزان از توانایی و عملکرد تحصیلی آن ها جدا کند. اگر همه روابط در زمینه ی تحصیلی دور بزند دانش آموزان کارآمدتر نسبت به همکلاسی های خود در ایجاد رابطه ی مفید با معلم از فرصت های بیشتری برخوردار خواهند بود. در حالی که همه ی دانش آموزان نیاز دارند تا مورد احترام و علاقه ی معلمشان قرار بگیرند حتی اگر رفتار و نگرش های آن ها همیشه مورد تایید معلم نباشد. در واقع دانش آموزانی که در مدرسه عملکرد ضعیفی دارند نسبت به همکلاسی های خود به داشتن رابطه ی مثبت با معلم بیشتر نیازمندند در ایجاد رابطه ای مطلوب و مفید با دانش آموزان ، معلم با تاکید بر موقعیت های غیر تحصیلی می تواند توجه و احترام خود را به طور مساوی میان دانش آموزان تقسیم کند. دستیابی به موقعیت برای برقراری رابطه با دانش آموزانی که دشواری های تحصیلی و رفتاری دارند شاید دشوار باشد من می توانم یک خاطره ی ناخوشایندی درباره ی یک نوجوان تازه وارد به دبیرستان به یاد آورم که طی ده ثانیه ی اول ورود خود به کلاس ایجاد اختلال می کرد اما مشکل این بود که این نوجوان به راحتی چنین لحظاتی را در اختیار نمی گذاشت بنابراین تصمیم گرفتم هر روز قبل از ورود به کلاس کنار در بایستم و با جمله های کوتاه و خوشایند به دانش آموزان بتوانم قبل از این که نوجوان مزبور فرصت یابد تا اختلالی ایجاد کند تعامل مثبتی را با او داشته باشم. در واقع معلمان نباید همواره در انتظار فرصت های تصادفی باشند بلکه خود نیز باید ابتکار به خرج دهند و چنین فرصت هایی را ایجاد کنند به ویژه این امر برای دانش آموزانی لازم است که در حالت معمول کمتر قادرند تا تحسین معلم را متوجه خود کنند. تصریح می گردد که هدف معلم باید ایجاد رابطه ای غیر مشروط با دانش آموز باشد. بر عکس اندیشه بسیاری کسان ، دانش آموزان نباید در جستجوی کسب احترام از معلم باشند ، بلکه معلم تعهد حرفه ای دارد ، که بدون در نظر گرفتن عملکرد تحصیلی دانش آموزان با همه ی آن ها رفتار خوبی داشته باشد . البته مقصود این نیست که معلم باید رفتار های نامناسب را در نظر نگیرد ، بلکه هدف آن است که رفتار نامناسب دانش آموز نباید باعث قطع روابط محبت آمیز و حاکی از اعتماد میان دانش آموز و معلم گردد . مانند والدین که حتی اگر فرزندانشان خطایی مرتکب شوند ، باز هم محبت آنها را در دل خواهند داشت .

6

#### ((اجتناب از تحسین و تمجید افراطی))

شاید یکی از شایعترین عقاید در حرفه معلمی مربوط به نتایج مثبت تحسین و تمجید باشد. دانش آموزان در ازای کار های زیادی مانند درست نشستن در کلاس ، پاسخ صحیح به پرسشها و غیره مورد تحسین قرار می گیرند ، اما اثر تمجید و تحسین ، آن چنان که از استفاده گسترده آن برداشت می شود ، ساده و مستقیم نیست . معلمانی که بیش از اندازه از تعریف و تمجید استفاده می کنند ، دانش آموزان را به وابستگی به خود تشویق می کنند و در واقع به آنها القا می کنند که تنها هنگامی که در کارشان موفق هستند که معلم از آنها تمجید کرده باشد . تغییر چنین الگویی ممکن است برای معلمان مشکل باشد ، زیرا سالهاست که روشی معمول در مدارس است ، اما با این حال می توان به کمک نماد های غیر کلامی این عادت را تغییر داد . یکی از راهبردها برای معلمانی که می خواهند به هنگام باز خورد دادن به دانش آموزان ، میزان تحسین را کاهش دهند ، استفاده از نماد غیر کلامی است . یک نماد خنثی مانند کار تو عالی است از معنای فرهنگی بر خوردار نیست . نماد می تواند هر گونه معنایی را که معلم بخواهد در بر داشته باشد . بنابراین اگر چند بار اول که معلم کار دانش آموز را علامت می گذارد به وی بگوید : کار تو عالی است . دانش آموز می آموزد که علامت گذاری را به عنوان نمادی از تحسین کلی تعبیر کند . اما اگر معلم پس از چند بار علامت گذاری بگوید : این حروف به ما کمک می کند تا به خاطر آوریم که شما امروز تکلیفت را در وقت معین انجام داده ای

، دانش آموز آن را به عنوان روش ثبت سابقه نسبت به موفقیت های تحصیلی خود خواهد داشت . در واقع هدف آن است که باز خورد اطلاعاتی به دانش آموز داده شود تا در شناسایی آن چه به خوبی انجام داده است و این که چه وقت و چگونه موفق بوده است ، به او کمک کند . معلم علاوه بر به کار گیری علایم با نماد های غیر کلامی می تواند فقط بخشهای موفق از عملکرد دانش آموزان را مورد تحسین قرار دهد . برای مثال ، به جای این که روی نقاشی دانش آموز بنویسد : کارت خوب است ، می تواند بنویسد : با استفاده از سایه روشن که به نقاشی ات عمق بخشیده کار جالبی انجام داده ای . یا به جای آن که در بالای صفحه محاسبات ریاضی بنویسد : خیلی پیشرفت داشته ای ، می تواند بنویسد : دفعه گذشته در ضربهای ۷ ضرب در ۶ و ۷ ضرب در ۸ اشکال داشتی ، اما حالا دیگر مشکلی نداری و بر ضرب این اعداد تسلط پیدا کرده ای . بدیهی است که این عبارات نیز تحسین آمیزند ، اما تحسین مزبور بیشتر به آن چیزی متوجه است ، که دانش آموز آن را به خوبی انجام داده است ، نه این که تعریف و تمجید کلی از جانب معلم باشد .

### ((شناساندن عوامل موفقیت و شکست))

یکی از راه هایی که می توان به میزان وابستگی دانش آموزان پی برد این است که آن ها موفقیت های خود را به معلم نسبت می دهند برخی می گویند چون معلمشان خوب بوده است رتبه ی بالایی آورده اند و یا چون معلمشان به آن ها کمک کرده است در کارشان موفق بوده اند . برخی از دانش آموزان که موفقیت خود را به معلم نسبت نمی دهند خوش شانسی یا سادگی کار را دلیل موفقیت خود می دانند . آن چه در تمام این موارد مشترک است گرایش خارجی آن ها است . دانش آموزانی که موفقیت های خود را به چنین عواملی نسبت می دهند بر این باورند که علل موفقیت آن ها بیرون از خودشان است . از نظر انگیزشی اسناد خلاق یعنی ارزش دادن به خود و موثر دانستن توانایی و تلاش شخصی در موقعیت های تحصیلی . معلم از طریق ارزش دادن به دانش آموزان به خاطر عملکردهای مطلوب می تواند آن ها را در شناسایی عوامل اصلی موفقیت خود یاری کند . به طور مثال اگر دانش آموزی در بازی بسکتبال دو پرتاب موفق داشته باشد معلم می تواند به او بگوید تمرین هایی که دیروز انجام دادی در پرتاب های امروزت موثر بود . یا قوتی دانش آموز مقاله ی خوبی می نویسد به او بگوید حتماً وقت زیادی برای تهیه ی مقاله ات صرف کرده ای . جمله بندی ، نقطه گذاری و نکات دستوری آن بی نقص هستند . در این دو مثال موفقیت دانش آموزان به تلاش آن ها نسبت داده شده است همچنین می توان دانش آموزان را تشویق کرد تا موفقیت هایشان را به توانایی های خود نسبت دهند . برای مثال اگر دانش آموزی در موضوعی خاص دارای ادراک خوبی است باید توجه او را به توانایی اش جلب نمود . همان طور که لازم است به دانش آموزان کمک کرد تا موفقیت های خود را به توانایی خود نسبت دهند در مورد شکست های خود نیز باید چنین کنند دانش آموزان باید پیاموند تا شکست هایشان را به عدم تلاش و نه عدم توانایی نسبت دهند . بنابراین اگر دانش آموزی در امتحان شکست خورد نباید شکست خود را انکار کند بلکه باید آن را بپذیرد اما لازم است آن را ناشی از عدم تلاش خود بدانند . برای مثال شاید نیاز باشد که بیشتر مطالعه کند معلم باید هنگام صحبت پیرامون شکست دانش آموز بر آن چه که در کنترل فرد است و برای کسب موفقیت می تواند با آن برخورد کند تاکید نماید .

### ((اجتناب از تنبیه شدید و مکرر))

معلمانی که مایلند روابط خوبی با دانش آموزان داشته باشند ، یعنی رابطه ای که موجب افزایش انگیزش تحصیلی آن ها شود ، برای آموزش رفتار مناسب نباید بر تنبیه متکی باشند . اغلب تنبیه ها با هدفی فراتر از خجالت دادن و ناراحت کردن دانش آموزان در نظر گرفته می شوند . در گذشته دانش آموزان به دلیل بی توجهی به درس مورد تنبیه جسمی قرار می گرفتند و امروزه نیز با این که این گونه تنبیه ها کمتر رایج است ، اما بیشتر تنبیه ها به نحوی برای آزردهن دانش آموزان صورت می گیرد

. برای مثال نوشتن ۵۰۰ مرتبه جمله ( من ووسایلم را فراموش نمی کنم ) و یا رفتن به مدرسه در روز های تعطیل و یا ایستادن در گوشه کلاس و یا ماندن در مدرسه بعد از تعطیل مدرسه ، همگی مواردی هستند که موجب آزردهی دانش آموزان می شود . معلمانی که چنین تنبیه هایی را مقرر می کنند ، انتظار دارند که به نتایج مطلوب هم دست یا بند . برخی از معلمان که خود مایل به تنبیه دانش آموزان نیستند ، از والدین کودک می خواهند تا آنها را به دلیل رفتار نامناسب در مدرسه ، خود تنبیه کنند . در این موارد به طور معمول والدین محرومیت هایی را برای کودک خود ایجاد می کنند ، که در نتیجه رابطه معلم و والدین با دانش آموز دچار اغتشاش می شود . اگر چه والدین باید از نحوه عملکرد فرزندان خود در مدرسه آگاه باشند ، اما نباید از والدین خواست تا آنها را تنبیه کنند . روش بهتر آن است که کاری کنیم تا والدین با امر آموزش فرزند خود درگیر شوند . باید آنان را ترغیب کرد تا کودک را به دلیل انجام تکالیفش در منزل تشویق کنند . باید دانش آموز را به کتابخانه ببرند و به او کمک کنند تا کتاب های مربوط به یک تکلیف را بیابند و از راه های گوناگون او را برای به دست آوردن موفقیت های کوچک در مدرسه تشویق کنند . معلمانی که برای موفقیت درسی کودکان به این شکل از والدین استفاده می کنند ، در یاری رساندن به دانش آموزان خود موفق تر هستند . بر عکس معلمانی که همواره در انتظار شکست یا رفتار نامطلوب دانش آموز هستند ، اغلب بیشتر باعث می شوند تا مشکلاتی به وجود آید . اگر چه به ظاهر شاید این طور به نظر آید که معلم نباید هرگز دانش آموزان را تنبیه کند ، اما در واقع دوری کامل از راهبر های تنبیه شاید دشوار باشد . معلمان باید چگونگی استفاده از روش های انضباطی و تنبیه های خفیف را بیاموزند ، البته به گونه ای که به روابط میان معلم و دانش آموز آسیبی نرساند . برای دوری کردن از عوارض زیانبار تنبیه ، ابتدا باید خیلی کم از آن استفاده شود . معلمی که از تنبیه به عنوان اولین و تنها راهبرد برخورد با دانش آموزان استفاده می کند به انگیزش تحصیلی آن ها آسیب شدیدی می رساند . با این حال هنگامی که در کنار استفاده از روش های غیر تنبیهی ، رفتار نامناسب دانش آموزان همچنان ادامه می یابد . در این صورت باید تنبیه جزئی باشد و فقط به عنوان هشدار از آن بهره گرفته شود . هدف آن است که دانش آموز در یابد از مرز رفتار مورد قبول فراتر رفته است و امکان دارد رفتار ناراحتی های جسمی و روانشناختی را برای دیگران باعث شود . در واقع تنبیه باید بیشتر از آن که واقعی باشد ، نمادی باشد . یکی از راه های تنبیه خفیف ، استفاده صحیح از روش محروم کردن است . به طور مثال ف وقتی دانش آموزی با مدادش به پشت همشاگردی خود که در جلوی او نشسته است ، می زند ، معلم می تواند خیلی آرام به وی نزدیک شود و مدادش را بگیرد و به او بگوید : میتوانی مدادت را در آخر وقت کلاس از من بگیری . به این طریق وی را از وسیله ای محروم کرده ایم ، که با آن دوستش را اذیت می کرده است . همین طور اگر دانش آموزی مزاحم دیگران است ، می توان از او خواست تا به آخر کلاس برود و دور از دانش آموزان بنشیند . البته باید وی را چنان در این مسیر هدایت کرد ، تا دیگران متوجه نشوند . به این ترتیب دانش آموز از موقعیتی که رفتار نا پسندش را تقویت می کند بیرون برده می شود . به طور معمول لازم است تا دانش آموز چند دقیقه ای در محل جدید باشد تا در مورد رفتار مزبور بیندیشد . بعد به طوری که دیگران متوجه نشوند ، می توان به دانش آموز نزدیک شد و به آرامی از او پرسید : فکر می کنی چرا از تو خواستم در این جا بنشینی ؟ معلم باید منتظر می شود تا پاسخی مناسب بشنود . سپس وی را با مهربانی به جای خود باز می گرداند . لازم است گفته شود که در این روش منظور این نیست که دانش آموز به خاطر از دست دادن چیز با ارزشی احساس نا خوشایندی پیدا کند ، بلکه منظور انتقال این موضوع به دانش آموز است که رفتارش از حد قابل قبول تجاوز کرده است و معلم اجازه نمی دهد تا چنین رفتاری ادامه یابد . گاهی لازم است تا دانش آموز را از کلاس بیرون فرستاد و این به هنگامی است که او از رفتن به آخر کلاس خودداری می کند . اگر چنین دانش آموزی از کلاس هم بیرون نرود ، باید از ناظم مدرسه خواست تا او را از کلاس بیرون ببرد . اما در این حالت نیز نباید دانش آموز را با این قصد بیرون فرستاد که مورد بازداشت قرار گرفته است . یا کاری اضافی را باید انجام دهد . بلکه دانش آموز باید به دفتر مدرسه برود و در جایی به آرامی بنشیند و لازم است تا فردی بزرگسال هم نزد وی باشد . اما نباید دانش آموز دیگری همراه وی باشد . بعد از



۱۰ تا ۱۵ دقیقه، مدیر یا مشاور مدرسه باید از او بپرسد چرا به دفتر فرستاده شده است؟ اگر بتواند علت آن را توضیح دهد، باید خیلی ساده به کلاس برگردد. البته بیرون کردن دانش آموز از کلاس باید هنگامی صورت گیرد، که دیگر تلاش ها با شکست مواجه شده است. دور از انتظار نیست که اغلب معلمان در به کار گیری این روش تنبیهی با مشکل مواجه می شوند و تعداد اندکی نیز از آن استفاده می کنند. بر عکس اشکال سنتی تنبیه مثل بازداشت، تعلیق و تکلیف اضافی به طور عمده در نظام آموزشی مورد استفاده قرار می گیرد. با این حال اگر این روش های تنبیهی موفق بودند، رفتار های نامطلوب باید کاهش می یافتند. در حالی که مشاهده می شود، که چنین نیست، و بی علاقگی دانش آموزان همواره افزایش می یابد. گزارش های مدیران، معلمان، دانش آموزان و والدین این امر را تایید می کند. به طور کلی دانش آموزانی که اغلب به شدت مورد تنبیه قرار می گیرند به دو صورت پاسخ می دهند. اول آن که آنها می آموزند که دیگر انسان ها را می توان از طریق تهدید و آزار و اذیت کنترل کرد و در نتیجه رفتارهای پر خاشگرانه در مدارس افزایش می یابد، و یا شیوه تسلیم و اطاعت را پیش می گیرند. که این امر موجب بی علاقگی آنها نسبت به فعالیت های تحصیلی بر می گردد. بنابراین پیام آن است که هر چه معلم کمتر از تنبیه استفاده کند بهتر است. در موارد نادر هم که تنبیه جزئی ضرورت می یابد، معلم می باید تلاش کند تا عصبانی نشود. مردم اغلب به هنگام عصبانیت به دیگران پر خاش می کنند. برخی از معلمان نیز ممکن است دانش آموزان را مورد توهین، تهدید و تحقیر قرار دهند. چنین مواردی حتی می تواند بیش از تنبیه های جسمانی موجب ناراحتی دانش آموزان گردد. معلمانی که می توانند در لحظه های بحرانی بر خود مسلط باشند، قادرند با چنین موقعیت هایی سازگاری یابند، به طوری که روابط آنها با دانش آموزان دچار اختلال نشود. اما بسیار اتفاق می افتد که حتی آرام ترین و منطقی ترین معلمان هم به طور ناخواسته دانش آموزی را مورد توهین و تحقیر قرار می دهند. در این موارد یک پوزش ساده از جانب معلم می تواند نتیجه خوبی داشته باشد و حتی روابط فیما بین را بهتر کند. هنگامی که معلم با دانش آموزان رفتار مناسبی داشته باشد و مسئولیت رفتار نامناسب خود را بپذیرد، آنها نیز نه تنها تنبیه ها را فراموش می کنند، بلکه به اشتباهات خود هم پی می برند.

### ((اجتناب از شوخی))

روش دیگر برای ایجاد رابطه مطلوب با دانش آموزان اجتناب از شوخی های زاید است. برخی از معلمان در بر خورد با دانش آموزان بد رفتار از عبارات تمسخر آمیز استفاده می کنند. دانش آموزان در این موارد احساس می کنند که مورد تنبیه واقع شده اند. البته فرق نمی کند که این گونه شوخی ها برای آزردن و کنترل باشد و با ظاهری دوستانه داشته باشد. به ویژه این که کودکان و نوجوانان به طور معمول قادر به ادراک شوخیهای افراد بزرگسال نیستند و امکان دارد سخنان محبت آمیز آنان را تمسخر تلقی کنند. البته منظور این نیست، که در کلاس هیچ مزاحی نباید صورت گیرد، بلکه فقط نباید دانش آموزان مورد تمسخر قرار گیرند.

### ((پرهیز از پیش داوری های غیر منصفانه))

معلمان نیز همچون دیگر انسان ها در بعضی زمینه ها پیش داوری هایی کنند. مثلاً این که تفاوت های ذاتی میان زن و مرد وجود دارد و یا آن که آن کس که موقعیت اجتماعی بهتری دارد، فرد برتری است و غیره، که البته همه این پیش داوری ها زیانبار است و برای از بین بردن آنها باید تلاش کرد. اولین گام برای پرهیز از این گونه موارد، آن است که معلم باید صادقانه به آن چه باور دارد اعتراف کند. زیرا اگر آنها را انکار کند، نمی تواند دانش آموزان خود را از عواقب ناخوشایند آن دور دارد. پس از آن، معلم باید تلاش کند تا بین دانش آموزان خود دیگر تفاوت نگذارد. برخی از دانش آموزان بیش از همکلاسیها به توجه معلم خود نیاز دارند. بدیهی است که معلم نیز باید روش های

آموزشی و رفتاری خود را متناسب با نیاز های متفاوت دانش آموزان سازگار کند. روابط خصوصی معلم با برخی از دانش آموزان بسیار زیانبار است، زیرا دیگر دانش آموزان آن را نوعی تبعیض می شمارند. این امکان باید برای همه دانش آموزان فراهم باشد، اما به طور معمول معلمی که فرضاً به ورزش علاقمند است با دانش آموزان ورزش دوست بیشتر رابطه برقرار می کند و غیره. در حالی که معلم مسئولیت حرفه ای دارد که با همه شاگردان چنین رفتاری داشته باشد. حتی اگر همه دانش آموزان به طور یکسان به معلم واکنش نشان ندهند، اما معلم باید این فرصت را در اختیار همه ایشان بگذارد.

### ((ابراز علاقه و توجه به دانش آموزان))

معلم باید بیش از آن چه از او انتظار می رود، به دانش آموزان کمک کند. البته لازم نیست تلاشی غیر عادی داشت بلکه فقط باید به دانش آموزان نشان داد که مزاحم نیستند و معلم از فعالیت با ایشان لذت می برد. برای مثال یک معلم دبیرستان به دانش آموزان خود گفت که روزهای بارانی موقع ناهار آن ها می توانند از اتاقش استفاده کنند. این معلم تا پایان سال تحصیلی به آن چه گفته بود عمل کرد. بسیاری از دانش آموزان اما نه همه ی آن ها دعوت او را برای صرف ناهار در اتاقی گرم پذیرفتند. حتی تعدادی از دانش آموزان کلاس های دیگر نیز به همراه دوستان خویش به آن جا می آمدند در حالی که دانش آموزان غذا می خوردند و همدیگر را ملاقات می کردند معلم نیز غذایش را می خورد و اوراق آن ها را تصحیح می کرد. البته منظور این نیست که معلم مجبور باشد به خاطر آسایش دانش آموزان خود را به درد سر اندازد بلکه او با این کار فقط علاقه ی واقعی خود را به آن ها نشان داده است. معلم دیگری با گروهی از دانش آموزان کار می کرد که به دلیل عملکرد ضعیف تحصیلی و رفتارهای پرخاشگرانه در شرف اخراج از مدرسه بودند. آن ها به طور معمول قلم و دفترچه ی خود را به همراه نمی آوردند. معلم برای این موضوع راهی یافت او با خود قلم هایی را به کلاس می آورد و آزادانه در اختیار هر کسی می گذاشت همچنین همیشه مقداری کاغذ سفید نیز با خود به کلاس می آورد. این اقدام تلاش کوچکی از جانب وی بود. مهمترین نکته این بود که معلم با در اختیار گذاشتن قلم و کاغذ نشان می داد که درباره ی موفقیت دانش آموزان خود حساسیت دارد و حاضر نیست دانش آموزی به خاطر نداشتن وسایل لازم از فعالیت تحصیلی باز بماند. یکی از روشهای دیگر برای آن که معلم علاقه ی خود را به دانش آموزان نشان دهد حضور در برنامه های فوق برنامه ی تحصیلی ایشان است. برای مثال معلم با شرکت در بازی های دانش آموزان به آن ها نشان می دهد که از بودن در جمع آن ها لذت می برد. بنابراین شرکت مستقیم در فعالیت ها و یا قبول وظیفه ی جانبی و تشویق دانش آموزان آن ها را متوجه علاقه ی معلم به فعالی های آن ها می کند. به علاوه معلم با صحبت پیرامون برنامه های آخر هفته، تعطیلات و طرح های آینده دانش آموزان می تواند علاقه ی خود را به آن ها نشان دهد. همچنین صحبت های اتفاقی معلم در راهروی مدرسه و یا زمین بازی و غیره با دانش آموزان نشان دهنده ی آن است که به آن ها علاقمند است. معلمانی که به جزئیات فردی دانش آموز توجه می کند باعث می شوند تا دانش آموز وی را علاقمند به خود بداند دانش آموزان باید بدون در نظر گرفتن توانایی ها و یا شکست ها ایشان در امور تحصیل مورد احترام و توجه واقعی قرار گیرند.

### ((ثبات داشتن و بخشنده بودن))

معلمانی که در رفتار شان آرامش دارند در رابطه ی خود با دانش آموزان بسیار موفق هستند. دانش آموزان معلمی می خواهند که رفتارشان پایدار و قابل پیش بینی باشد. معلمی که یک روز دوستانه و روزی دیگر رفتاری غیر دوستانه دارد موجب می شود تا دانش آموزان از در میان نهادن مشکلات خود با وی تردید داشته باشند. در واقع دانش آموزان نباید شاهد بی ثباتی در رفتار معلم خود باشند. حتی دانش آموزانی که در روز قبل مشکلی در کلاس ایجاد کرده اند باید بتوانند روز بعد به راحتی به سر کلاس بیایند. معلم باید با آن ها برخوردی دوستانه و محترمانه داشته باشد و بی نظمی های آن ها را نادیده بگیرد و به امور روز جاری

بپردازد. در واقع معلمان باید بیاموزند که کینه‌ی خود را دور بریزند و همان طور که دوست دارند دیگران خطای آن‌ها را ببخشند آن‌ها نیز از خطاهای دانش‌آموزان چشم‌پوشی کنند.

### ((داشتن انتظاراتی بالا و ممکن))

معلمی که خواهان رابطه‌ی مثبت و سازنده با دانش‌آموزان است باید اعتقاد به قابلیت‌ها را در آن‌ها پرورش دهد. راه‌های زیادی برای این منظور وجود دارد اول واگذار کردن فعالیت‌های نسبتاً دشوار به دانش‌آموزان است. با واگذار کردن کارهایی که احتمال شکست در آن‌ها اندک است و موجب افزایش توانایی‌های دانش‌آموزان می‌شود معلم اعتقاد خود را نسبت به قابلیت‌های دانش‌آموزان به آن‌ها القا می‌کند. بر عکس کاری که بیش از اندازه سهل باشد ممکن است سبب شود تا دانش‌آموزان فکر کنند معلم آن‌ها را در انجام کارهای واقعی ناتوان می‌داند. در حالی که واگذاری کارهای نسبتاً دشوار ممکن است نشانه‌ی اعتقاد معلم به قابلیت تحصیلی دانش‌آموزان باشد. اما چنانچه آن‌ها نتوانند در آن‌ها موفقیت کسب کنند ارزش چندانی نخواهند داشت بنابراین باید دقت کند کارهای خیلی دشوار را که چندان امید موفقیت در آن‌ها نمی‌رود و به دانش‌آموزان واگذار نکند که به این طریق احساس عدم صلاحیت در آن‌ها تقویت خواهد شد. استدلال آن‌ها چنین است که معلم تنها کاری را به من می‌دهد که باید قادر به انجام آن باشم و چون نمی‌توانم آن را انجام دهم پس توانایی کمتر از حد انتظار است. معلم باید در کنار فراهم آوردن کارهای نسبتاً دشوار از دانش‌آموزان برای فعالیت‌های آموزشی حمایت کند. هدف در واقع فراهم کردن محیطی آموزشی است که دانش‌آموزان در آن بیشترین یادگیری را داشته باشند و نیز احساس توانمندی نمایند. (سرتیپی، ۱۳۹۰، ۱۳۸)

11

### بحث و نتیجه‌گیری

هنگامی که دانش‌آموزان بیشتر توجه و انرژی خود را برای جلب توجه و اطمینان و احترام معلم صرف می‌کنند می‌توان گفت که آن‌ها به معلم وابسته هستند و از بیرون کنترل می‌شوند. آن‌ها در این که اوقات خود را چگونه بگذرانند به علایق درونی خود متوجه نیستند آن‌ها تکلیف را به دلیل خود آن‌ها و چالش‌انگیز بودن خود تکلیف انجام نمی‌دهند بلکه به ارزش‌ها و تاکیدهای معلم توجه دارند و تکالیفی را که چندان علاقه‌ای به آن‌ها ندارند انجام می‌دهند زیرا فکر می‌کنند با انجام این گونه تکالیف توجه معلم را جلب خواهند کرد. هدف از این راهبردهای جلوگیری از توجهات بی‌دلیل دانش‌آموزان به ارزش‌ها و انتظاراتی معلم است. شاید این طور به نظر آید که این هدف بر خلاف آن است یعنی اگر دانش‌آموزان معلمان را با نظر مثبت بنگرند در این صورت معلمان سرمشق ارزش‌های تحصیلی آن‌ها خواهند بود هنگامی که دانش‌آموزان با معیارها و ارزش‌های معلمان درگیر باشند این خطر هست که آن‌ها را به بهای فراموش کردن خود بپذیرند. دانش‌آموزانی که معلم را سرمشق آرمانی خود می‌دانند علایق و ارزش‌های خود را نیز انکار نمی‌کنند. دانش‌آموزان وابسته را باید برای اجتناب از این امر تشویق کرد و آن‌ها را به ارزش‌ها و اهداف خود متوجه نمود تا ادراک کنترل و خودمختاری آن‌ها افزایش یابد. به این منظور لازم است تا نیاز دانش‌آموزان به توجه و احترام غیر مشروط از جانب معلم برآورده گردد. به بیان دیگر همه‌ی دانش‌آموزان باید بدون در نظر گرفتن موفقیت یا شکستشان در تحصیل مورد احترام و توجه واقعی قرار گیرند. هنگامی که چنین شود دانش‌آموزان بر این باور خواهند بود که ارزش آن‌ها به عنوان یک فرد با وضعیت تحصیلی‌شان ارتباط دارد و ارزشمندی خود را وابسته به تعریف و تمجید معلم نمی‌دانند. معلم می‌تواند به همین طریق با کاهش تعریف و تمجیدهای کلی و افزایش برجسته کردن جنبه‌های خاص و موفق دانش‌آموزان توجه ایشان را از داوری معلم به جانب کیفیت عملکرد خودشان سوق دهد. دانش‌آموزان می‌باید بیاموزند که برای خود فعالیت و لذتی که از انجام آن می‌برند و نه به دلیل توجه و احترام معلم به انجام هر فعالیتی بپردازند. در واقع آن‌ها باید بیاموزند که لذت ایشان در انجام مطلوب فعالیت و افزایش قابلیت‌ها است و به دنبال واکنش دیگران در برابر

موفقیت های خود نباشند. این لذت ذاتی با مهارت گرایی یا تکلیف گرایی سازگاری دارد یعنی توجه دانش آموزان بر مهارت یافتن به تکلیف و نه بر جلب توجه دیگران متمرکز می شود و در نهایت معلمان می توانند به دانش آموزان تلقین کنند تا برای موفقیت های خود اسنادهای درونی مانند تلاش و توانایی و برای شکست هایشان اسناد های درونی ناپایدار مانند تلاش داشته باشند و از این طریق تمایل ایشان را به وابسته بودن به معلم کاهش دهند و ادراک کنترل شخصی ایشان را تقویت نمایند. دانش آموزان پس از یک تجربه ی موفق نیاز دارند تا باور کنند که قادرند موقعیت های مطلوب را باز هم ایجاد کنند. اسناد درونی پایدار و اسناد درونی قابل کنترل ناپایدار به طور توأمان انتظار موفقیت در آینده را به وجود می آورند زیرا توانایی ها و تلاش های دانش آموزان قابل استفاده در موقعیت جدید هستند در مورد تجربه ی شکست نیز دانش آموزان باید مطمئن باشند که قادرند با عوامل مخرب مقابله کنند. در این مورد فقط اسناد درونی ناپایدار و قابل کنترل می تواند موجب انتظار موفقیت در آینده باشد. در واقع دانش آموزان می توانند داوطلبانه تلاش خود را در موقعیت های جدید افزایش دهند و احتمال موفقیت خود را بیشتر کنند.

### پیشنهادها

بدیهی است که هر یک از معلمان در برقراری ارتباط با دانش آموزان روش خاصی دارند که ناشی از شخصیت دانش آموزان و موقعیت مزبور است با این حال می توان در انواع روابطی که موجب افزایش کفایت و کنترل دانش آموزان شده است و انگیزش درونی ایشان را بهبود بخشیده است عمومیتی قائل شد. معلم می باید ابتدا رابطه ای مثبت حمایت کننده و قابل اعتماد با دانش آموزان برقرار کند چنین هدفی هنگامی حاصل می شود که معلم برای کنترل دانش آموزان بیش از اندازه از تنبیه استفاده نکند و از شوخی های زننده با آن ها اجتناب کند و از پیش داوری های غیر منصفانه پرهیز کند تا به دانش آموزان نشان دهد که همگی دارای ارزش هستند معلم باید در هر موقعیتی آرامش خود را حفظ کند و رفتارش برای دانش آموزان قابل پیش بینی باشد و از آن ها انتظارهای معقول و در عین نه چندان سهل داشته باشد. روابطی که با حمایت و اعتماد همراه است گر چه احساس رضایت دانش آموزان را از پی دارد اما این را مطلبید که معلم از وابسته کردن دانش آموزان به خود پرهیز کند یعنی چنان نباشد که دانش آموزان فقط در پی آن چیزهایی باشند که برای معلم ارزشمند است و به این طریق ارزش های درونی خود را نادیده گیرند معلم باید تلاش کند تا توجه و احترام خود را به دانش آموزان به موفقیت های تحصیلی ایشان مشروط نکند همه ی دانش آموزان اعم از موفق و ناموفق باید این فرصت را داشته باشند که به شکلی مورد توجه و احترام معلم قرار گیرند به علاوه لازم است که در ستایش از فعالی های دانش آموزان به طور کلی کار آن ها را ستایش نکنیم و فقط به تحسین جنبه های موفق در کار آن ها بسنده کنیم. لازم است معلم توجه دانش آموزان را به علت های موفقیت خود جلب کند تا در آینده قادر به تکرار فعالیت های مطلوب خود باشند در نهایت معلم باید به دانش آموزان بیاموزد که لازم است آنها مسولیت موفقیت ها و شکست های خود را بپذیرند در واقع آن ها باید موفقیت های خود را به توانایی های طبیعی و تلاش های خود نسبت دهند. شکست ها را نیز ناشی از عدم تلاش خود بدانند بنابراین معلمان می که به بیان علل موفقیت ها و شکست های دانش آموزان می پردازند و بر نقش توانایی و تلاش در آنها تاکید می کنند در افزایش گرایش انگیزشی سازنده ی آن ها گام موثری بر می دارند.





#### منابع

- یغما، عادل، (۱۳۹۴)، کاربرد روش ها و الگوهای تدریس، تهران، انتشارات مدرسه، چاپ ششم.
- اسپالدينگ، چریل ال. (۱۳۹۷)، انگیزش در کلاس درس، مترجم محمد رضا نایینیان و اسماعیل بیابانگرد، تهران، انتشارات مدرسه.
- سیف، علی اکبر، (۱۳۹۵)، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، تهران، نشر روان.
- سرتیپی، سیاوش، (۱۳۹۰) روابط معلم و شاگرد، تهران، انتشارات فاخته.
- Middiastadt.s.(۱۹۷۹)student perceptions of teacher interactions with male high and low achievers.lournal of educational psychology ۷۴
- zimmerman.B.schunk.D.(۱۹۸۹)self –regulated learning and academic achievement..
- Hanson,(۱۹۸۵).perr models:Influence on childrens,self-efficacy and achievement.journal of educationsl psychology,۳۲۲-۷۷۳۱۳